

حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه خلیج فارس در گفت‌وگو با مهندس جواد تبریزی استاندار پیشین بنادر جنوب

گفت‌وگو: مرتضی رسولی پور
تنظیم: رضا حسینی

اشاره

بخش نخست مصاحبه با مهندس جواد تبریزی که در سال ۱۳۷۷ انجام شده بود، در شماره ۴۴ همین فصلنامه قبلاً به چاپ رسید. اینک بخش پایانی مصاحبه با نامبرده را به علاقه‌مندان تقدیم می‌کنیم. پس از قطعی شدن جدایی بحرین از ایران که حاصل توطئه‌های طولانی مدت انگلستان در ایران و منطقه خلیج فارس و نیز تبانی رژیم پهلوی با استعمارگر پیر بود و نیز مسئله خروج انگلیسیها از خلیج فارس، وظیفه صیانت از منافع غرب در منطقه به رژیم پهلوی و برخی از رژیمهای ارتجاعی خاورمیانه سپرده شد و به ازای آن خسارت (جدایی بحرین) و این خدمت (ژاندارمی منطقه و صیانت از منافع غرب) حاکمیت ایران بر سه جزیره ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی اعاده شد. تبلیغات پرهیاهوی رژیم پهلوی در این خصوص سرپوشی بود بر بی‌کفایتی آنها در حفظ حاکمیت حقه ایران بر بحرین، انگلیسیها با برگرداندن بخشی از سرزمینهای ایران بخش دیگری را از پیکره کشور ما جدا کردند و رژیم پهلوی نام آن را پیروزی گذاشت. مطالب این قسمت از مصاحبه به واکاوی این موضوع از زبان استاندار پیشین بنادر جنوب اختصاص دارد.

□ مهم‌ترین مسئولیت شما استانداری بنادر جنوب بود. جناب‌عالی زمانی به این سمت منصوب شدید که موضوع بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه تنب و ابوموسی مطرح بود؛ و از مدتی قبل از آن، مذاکراتی میان ایران و دولت بریتانیا در جریان بود. برای ورود به این

موضوع، ابتدا بفرمایید که چه سالی به این سمت منصوب شدید و سپس مختصری از موقعیت جغرافیایی و استراتژیک این جزایر توضیح دهید.

● در اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ از طرف وزارت کشور به سمت استاندار خلیج فارس و جزایر و بنادر عمان منصوب شدم.

خدمت شما عرض می‌کنم، همان‌طور که در منابع آمده، جزیره ابو موسی تقریباً در وسط آبهای خلیج فارس بین بندر لنگه و شارجه قرار دارد. فاصله این جزیره از بندر لنگه ۶۷ کیلومتر و از کرانه‌های شارجه ۶۴ کیلومتر است. بنابراین، جزیره ابو موسی کمی پایین‌تر از خط منصف خلیج فارس واقع شده است. فاصله جزیره ابو موسی تا جزیره سیری ۴۵ کیلومتر، تا تنب بزرگ ۴۶ کیلومتر و تا تنب کوچک ۴۴ کیلومتر است. این جزیره آخرین حلقه زنجیر فرضی ایران در دهانه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد و به شکل یک لوزی است که قطر آن $\frac{4}{8}$ کیلومتر است. در مورد وسعت آن اختلاف نظر وجود دارد؛ اما آنچه مسلم است اینکه از دو جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک بزرگ‌تر است. علت اختلاف هم این است که در قسمت شرق جزیره ابو موسی سه جزیره کوچک دیگر وجود دارد که هنگام جزر و پایین رفتن آب دریا به جزیره ابو موسی متصل می‌شوند. بر این اساس، وسعت جزیره را از ۷ تا ۹۰ کیلومتر مربع نوشته‌اند. به هر حال مرکز آمار ایران وسعت جزیره ابو موسی را ۶۶ کیلومتر مربع می‌داند.^۱ بلندترین ارتفاع این جزیره کوه حلوا با ارتفاع ۱۱۰ متر می‌باشد. نیمه جنوبی جزیره نیز تقریباً مسطح و به صورت یک جلگه شنی و خاکی در جهت شرقی-غربی گسترده شده است.

آب آشامیدنی این جزیره از چند حلقه چاه نیمه عمیق تأمین می‌شود. این جزیره به سبب معادن اکسید آهن حائز اهمیت است. یکصد سال قبل، نخستین امتیاز این معادن از طرف شاه قاجار به معین‌التجار بوشهری واگذار شد و بعداً این امتیاز به یکی از مالکان بندر لنگه به نام قاسمی منتقل شد که سالانه ۲۵۰ لیتر استرلینگ به شاه قاجار پرداخت می‌کرد. قاسمی از دودمان قبایل بندر لنگه بود. در آن زمان یکصد نفر از ایرانیان در معادن این جزیره کار می‌کردند و سالانه نزدیک به ۴۰,۰۰۰ کیسه اکسید آهن استخراج می‌شد.

بعدها این امتیاز به یک شرکت آلمانی به نام ونکهاوس واگذار شد و مدتی بعد هم ژاپنیها وارد کار شدند. همه این امتیازات از طرف شیخ شارجه داده شده بود که بعد از

۱. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور ۱۳۶۹. تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۰. ص ۱۱.



ملاقات شیخ صقر، برادر شیخ شارجه، با فرمانده ناو آرتمیس، جزیره ابوموسی،
۹ آذر ۱۳۵۰ (برگرفته از کتاب جزیره ابوموسی...)

نهم آذر ۱۳۵۰ از طرف دولت مرکزی ایران تأیید شد. جزیره ابوموسی به نامهای بوموسی، بوموف و گپ سبز و نیز نامیده شده است. نام اصیل و تاریخی این جزیره بوموسی است. نام گپ سبز را مردم لنگه به این جزیره داده‌اند و به مفهوم سبزه‌زار بزرگ است. علت اطلاق این نام این بوده که این جزیره در گذشته آب شیرین، کشتزارهای وسیع و مراتع مرغوب داشته است. در کتب تاریخی آمده که نام ابوموسی را ظاهراً سربازی از گروه میرمهنا در زمان کریم‌خان زند بر این جزیره نهاده است. وی که نامش ابوموسی بوده همراه با گروهی از همراهانش پس از جدایی از میرمهنا در این جزیره مستقر شده و نام خود را بر آن نهاده است. انگلیسیها نیز، پس از نفوذ در خلیج فارس، برای طرد عنصر ایرانی از این جزیره عنوان ابوموسی را بر آن به کار بردند.

جزیره تنب بزرگ در جنوب جزیره قشم، بین بندر لنگه و رأس النخیمه، قرار دارد. تنب بزرگ از بندر لنگه ۵۰ کیلومتر و از کرانه‌های رأس النخیمه (جزیره حمراء) ۷۰ کیلومتر، از جزیره قشم ۳۱/۵ کیلومتر و تا جزیره تنب کوچک تقریباً ۱۴ کیلومتر

فاصله دارد. وسعت این جزیره نزدیک به ۱۲ کیلومتر مربع و قطر آن تقریباً ۴/۶ کیلومتر است. سطح جزیره شنزار و خشک است و بلندترین نقطه آن ۵۳ متر است. تنب بزرگ دارای آب آشامیدنی است و چند حلقه چاه آب شیرین دارد. دلیل وجود آب شیرین وجود لایه‌های سخت در زیر سطح جزیره می‌باشد که آبهای باران به تدریج ذخیره می‌شود و آب شور دریا هم در این ذخایر نفوذ نمی‌کند. در ابتدای دهه ۱۳۵۰ این جزیره دارای ۲۰ حلقه چاه آب شیرین بود.

این جزیره به نامهای تنب بزرگ، تمب گمپ، تنب مار، تنب مار بزرگ و تل مار خوانده می‌شود. کلمه تمب و یا تنب، واژه پارسی دری یا تنگستانی است که تپه، پشته و تل معنی می‌دهد و، به دلیل وجود مارهای سمی در گذشته، به تمب مار، تنب مار و تل مار نیز نامیده شده است.

جزیره تنب کوچک، با مساحتی نزدیک به ۲ کیلومتر مربع، در جنوب بندر لنگه و در غرب جزیره تنب بزرگ قرار دارد. فاصله این جزیره تا بندرعباس ۱۹۴/۵ کیلومتر، تا بندر لنگه ۵۰ کیلومتر و تا کرانه‌های رأس الخیمه (جزیره حمراء) ۹۲/۶۰ کیلومتر است. تقریباً مثلث شکل است و نزدیک به ۱۵۰۰ متر طول و ۱۱۰۰ متر عرض دارد. در بخش شمال غربی جزیره تپه صخره‌ای تیره‌رنگی وجود دارد که بلندترین نقطه آن از سطح دریا ۳۵ متر است.^۲

□ در مورد چگونگی تحویل جزایر سه‌گانه در زمان تصدی جناب عالی در سمت استانداری

بنادر جنوب توضیحاتی ارائه دهید و بفرمایید این کار چه زمانی صورت گرفت؟

● با مطالعاتی که از قبل در مورد خلیج فارس و تاریخچه جزایر تنب و ابوموسی داشتم، از بدو ورودم به بندرعباس، امید زیادی داشتم که روزی این جزایر به ایران بازگردانده شود. با این امید و آرزو، در نقشه ایران روی جزایر تنب و ابوموسی پرچم کوچکی از ایران نصب کرده بودم. آرزویم این بود که در دوران خدمتم این جزایر به خاک و وطن ضمیمه شود. از طرفی، اطلاع داشتم که نزدیک به دو سال است که بین ایران و بریتانیا مذاکراتی بر سر بحرین و جزایر سه‌گانه تنگه هرمز در جریان است. به همین سبب، مطالعاتی در این زمینه انجام داده بودم و می‌دانستم طبق سوابق تاریخی این جزایر جزء لاینفک ایران است و روزی به ایران بازگردانده خواهد شد.

۲. بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی. نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶. صص ۳۳-۴۴؛ همچنین ایرج افشارسیستانی. جغرافیای تاریخی دریای پارس. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶. صص ۸۵-۵۱.

در آذرماه ۱۳۵۰ اطلاع یافتیم که باید برای تحویل جزایر و انجام دادن مراسم آن در نهم آذرماه ۱۳۵۰ در جزیره ابوموسی حضور داشته باشیم. ولیعهد شارجه نیز متقابلاً در این مراسم تحویل و تحول باید حضور می‌داشت. حامل این پیام دریابد رسایی^۳ فرمانده نیروی دریایی بود که روز قبل مرا ملاقات کرد و این خبر را به من ابلاغ نمود. شب قبل از حضور در جزیره ابوموسی، با یک فروند هلی‌کوپتر از بندرعباس به بندر لنگه رفتیم. و چهار هلی‌کوپتر دیگر از چهار طرف مرا اسکورت و پشتیبانی می‌کردند. شب را به اتفاق شهیار شفیق^۴ مسئول هوانیروز در بندر لنگه بیتوته کردیم و صبح روز بعد حوالی ساعت هفت صبح من با هلی‌کوپتر به سوی جزیره ابوموسی و سروان شهیار شفیق به سمت جزایر تنب بزرگ و کوچک پرواز کردیم.

قرار ما بر این بود که در زمان حضور ولیعهد شارجه مطلقاً صحبتی از مالکیت جزایر مذکور از ناحیه شارجه و رأس الخیمه به عمل نیاید و چنانچه در حین استقبال، نماینده شیخ شارجه کمترین اشاره یا ادعایی نسبت به مالکیت جزایر به میان آورد، بنده بلافاصله جزیره را با همان هلی‌کوپتر به طرف بندرعباس ترک کنم. خوشبختانه در مورد جزیره ابوموسی زمینه توافق فراهم شده بود و ولیعهد شارجه پس از ورود بنده و معاون فرماندهی نیروی دریایی ایران، دریادار رمزی عطایی،^۵ ضمن خیرمقدم و تبریک، کمترین صحبتی درباره مالکیت جزیره ابوموسی از جانب شارجه نکرد. من هم در پاسخ او، ضمن اظهار تشکر گفتم: استقرار قوای نظامی ایران در جزایر تنب و

۳. ارتشبد فرج‌الله رسایی متولد ۱۲۸۷ درگیلان بود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه از طرف ارتش برای تحصیل به ایتالیا اعزام شد و در رشته [علوم] نیروی دریایی فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۱۱ با درجه ستوان دومی به خدمت نیروی دریایی پیوست. در ۱۳۳۰ با درجه سرهنگی به معاونت فرمانداری نظامی آبادان و فرماندار نظامی خرمشهر تعیین شد و در تمام دوران خلع ید این سمت را داشت. بعد فرمانده نیروی دریایی جنوب شد. در سال ۱۳۳۸ با درجه سرتیپی، رئیس اداره نظام وظیفه شد و در ۱۳۴۰ با درجه سرلشکری به فرماندهی کل نیروی دریایی برگزیده شد. دوازده سال در آن سمت بود و به بالاترین درجه نیروی دریایی که «دریابد» بود، نائل شد. پس از کناره‌گیری از نیروی دریایی، نزدیک به پنج سال در مجلس سنا عضویت داشت. ۴. فرزند اشرف پهلوی و احمد شفیق.

۵. سرتیپ دریادار عباس رمزی عطایی در ۱۳ مهر ۱۳۵۱ به فرماندهی نیروی دریایی منصوب شد. این انتصاب پس از بازنشسته شدن دریابد فرج‌الله رسایی فرمانده سابق نیروی دریایی بود. رمزی عطایی مدتی بعد، در سال ۱۳۵۴ از سمت خود برکنار شد و با دو درجه تنزل در مقام سرهنگی باقی ماند. چندی بعد در اسفند ۱۳۵۴ او و چند نفر از همکارانش را به جرم ارتشاء، سوءاستفاده و تدلیس محاکمه و به پرداخت خسارت و زندان محکوم کردند.

ابوموسی، ضمن اعمال حاکمیت ایران، در راستای حفظ امنیت منطقه است و ما با شما مثل برادر رفتار خواهیم کرد.

□ برخورد شما با نماینده شیخ شارجه چگونه بود؟

● ولیعهد شارجه، شیخ صقر بن محمد حاکم کنونی شارجه، به استقبال ما آمد. بنده با او روبرو کردم و پس از آن متوجه شدم که به خوبی فارسی صحبت می‌کند. عجیب آنکه در موقع ملاقات با بنده به زبان انگلیسی خیرمقدم و تبریک ورود گفت. من پس از تشکر و اهداء یک جلد کلام‌الله مجید از او پرسیدم شما که به زبان فارسی آشنایی کامل دارید و اجدادتان اهل بندر لنگه هستند، چرا به فارسی صحبت نمی‌کنید؟ بلافاصله معذرت‌خواهی کرد و بعداً سعی کرد به زبان دیگری صحبت نکند.

سپس به دعوت ولیعهد شارجه به محل درمانگاه ابوموسی حرکت کردیم و پس از مذاکرات معمولی و آشنایی با همراهان ولیعهد و معارفه و صرف ناهار به سوی کشتی سرفرماندهی ایران (آرتیمیس) حرکت کردیم. البته قبلاً به وسیله بیسیم، ورودمان را به دریابند رسایی فرمانده نیروی دریایی اعلام کرده بودیم. در زمان ورود به کشتی، مراسم احترام از طرف سرفرماندهی به عمل آمد و پس از پذیرایی از ولیعهد شارجه یک جلد کلام‌الله مجید نیز از طرف دریابند رسایی به او اهدا شد و ساعتی بعد، با کشتی ولیعهد شارجه به جزیره ابوموسی مراجعه کردیم و ولیعهد شارجه بنده و دریادار رمزی عطایی و همراهان را مشایعت کرد و در محیطی دوستانه خاک ابوموسی را ترک کردیم. ولیعهد شارجه در موقع خداحافظی رسماً از بنده دعوت کرد که هفته دیگر به شارجه بیایم و با سلطان شارجه ملاقات کنم.

یک هفته نگذشت که شنیدیم سلطان شارجه که جوانی تحصیلکرده بود و با افکار مرفقی‌اش توانسته بود برنامه‌های اصلاحی را تا حد امکان در شارجه عملی سازد، به تحریک مقامات رأس‌الخیمه به قتل رسید و کاخ او به تصرف درآمد که بعدها با پادرمیانی کشورهای عربی قاتل را آزاد نمودند؛ ولیعهد شارجه به جانشینی برادر مقتول خود منصوب گردید و مسافرت بنده هم، خود به خود، منتفی شد. او هنوز عهده‌دار امور شارجه است.

□ لطفاً در مورد ورود نیروهای نظامی ایران به جزایر تنب و ابوموسی توضیح بفرمایید؟

● در نهم آذر ماه ۱۳۵۰ زمانی که ما به جزیره ابوموسی وارد شدیم، نیروهای مسلح هم در محل‌های لازم مستقر شدند و پرچم ایران را بر فراز قله کوه حلوا، به اهتزاز درآوردند. اما مقارن ساعتی که من در جزیره ابوموسی در مراسم شرکت کرده و گرم

معارفه با ولیعهد شارجه بودم، سروان شهریار شفیق مسئول هوانیروز و مأمور تحویل جزایر تنب بزرگ و کوچک با مقاومت چند نفر از سربازان رأس الخیمه مواجه شده بود. آنها سه تن از سربازان نیروی دریایی ایران به نامهای سروان سوزنچی، حبیب‌الله کهریزی و آیت‌الله خانی را به شهادت رسانده بودند.^۶ در این درگیری چند نفر از سربازان رأس الخیمه نیز مجروح شده بودند که پس از دستگیری آنان و تصرف جزایر تنب در بیمارستان بندر لنگه بستری شدند و مورد معالجه قرار گرفتند و طبق رویه‌ای که معمول بود به رأس الخیمه بازگردانده شدند و این‌طور نبود که چون اینها قاتل هستند به جرم قتل آنها را دستگیر و بازداشت کنیم.^۷

□ خبرنگاران داخلی و خارجی جریان بازپس‌گیری جزایر را چگونه پوشش خبری می‌دادند؟

● بازار خبرگزاریهای داخلی و خارجی داغ بود و خبرنگارانی از اطراف و اکناف جهان به بندرعباس آمده بودند تا از نزدیک گزارش این امر را که سالها مذاکرات آن میان انگلستان و ایران به طول انجامیده بود تهیه و منعکس کنند.

پس از تحویل گرفتن جزایر سه‌گانه به بندرعباس برگشتیم. در آنجا خبرنگاران اصرار داشتند که گزارش تحویل و تحول جزایر سه‌گانه را در اختیار آنها قرار دهم ولی چون همان ساعت مراسم تشییع جنازه شهدای تنب در فرودگاه برگزار می‌شد، فرصت ارائه گزارش به خبرنگاران را نداشتم و به آنها گفتم: بهتر است خودتان با هلی‌کوپتر به جزایر مذکور بروید و از نزدیک وضع ساکنان و جزایر را مشاهده کنید و بعد برای شام به بندرعباس برگردید. آن وقت به جای اینکه شما از من سؤال کنید، من در مورد مشاهدات شما سؤال خواهم کرد.

بعد از ظهر آن روز خبرنگاران پس از مراجعه به بندرعباس، مشاهدات خود را بیان کردند و گفتند هنگامی که ما به آنجا رسیدیم، ساکنان ابوموسی استقبال شایانی از ما کردند و همگی از بازگشت ابوموسی به ایران ابراز خوشنودی می‌کردند. من هم به همین مناسبت ضیافت شامی در کاخ استانداری تدارک دیدم و کلیه خبرنگاران و نمایندگان خبرگزاریهای خارجی را به این ضیافت دعوت کردم. خبرنگاران و نمایندگان خبرگزاریهای خارجی که در ضیافت شرکت داشتند، عبارت بودند از:

۶. سروان رضا سوزنچی فرمانده گروهان، اهل کاشان، مهندسی یکم حبیب‌الله کهریزی از تهران و سرباز وظیفه آیت‌الله خانی از اهالی شیراز بودند. بنگرید به: ایرج افشارسیستانی. جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰. ص ۱۲۴ و همچنین، اصغر جعفری‌ولدانی، همان، ص ۳۳۶.

۷. از نیروهای رأس الخیمه ۴ نفر کشته و ۵ نفر زخمی شدند. به نقل از: اصغر جعفری‌ولدانی، همان، ص ۳۳۶.

دکتر کاظم زرنگار، دکتر محمدرضا عسکری، فریدون پزشکان، علیرضا طاهری، بهروز شاهنده، منصور شمس، ایرج فائز، احمد جم، عبدالرحمن شهبازی، حسینعلی کهن بانی نماینده خبرگزاری تاس و فرستادگان سایر خبرگزاریهای خارجی. البته پرویز راثین نماینده خبرگزاری آسوشیتدپرس و علی مهرآذری نماینده خبرگزاری رویتر پس از مراجعت از ابوموسی بلافاصله برای ارسال گزارش به تهران پرواز کردند. مطبوعات نیز طی گزارشهایی بازگرداندن جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را با عباراتی از این قبیل منعکس کردند: «ایران به حق خود رسید»، «هرگز نمیرد ملتی به این بزرگی»، «تشیع شهدای راه وطن در بندرعباس»، «پیروزی عظیم ایران»، «جشن و سخنرانی در دانشسراها و دبیرستانها و مدارس استان»، «سیل تلگرافهای نمایندگان آموزش و پرورش از جزایر و بنادر استان»، «تلگراف تبریک انجمنهای شهر»، «کلید خلیج فارس در دست ایران»، «ظهور و سقوط استعمار در خلیج فارس»،... و به این ترتیب، بازپس‌گیری جزایر را فتحی بزرگ [!] برای ایران جلوه دادند.

□ بازتاب تحویل جزایر سه‌گانه در میان مردم چگونه بود؟

● مقارن با استقرار نیروهای نظامی ایران در سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، جمع کثیری از اهالی جزایر و بنادر استان خلیج فارس با قایق و لنج و با در دست داشتن پرچم ایران به بندرعباس آمدند و از اینکه جزایر سه‌گانه پس از هشتاد سال به ایران بازگردانده شده بود ابراز خوشحالی و شادی می‌کردند.^۸

□ تحویل جزایر سه‌گانه و استقرار نیروهای ایران در جزایر تنب و ابوموسی و اعمال مجدد حاکمیت ایران بر جزایر مزبور چه بازتابی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت؟

● روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۵۰ روزنامه‌های تهران خبر دادند که مهندس جواد تبریزی استاندار استان ساحلی خلیج فارس، که به مناسبت خبر موفقیت آمیز استقرار نیروهای نظامی ایران در جزایر تنب و ابوموسی در تکاپو و فعالیت بوده، در کلیه این

۸. امیرعباس هویدا بدون اشاره به از دست دادن بحرین و توافقات شاه و غرب پیرامون صیانت از منافع غرب چنین اظهار داشت: «جزایر تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی، واقع در تنگه هرمز، پس از ۸۰ سال جدایی، باز تحت سلطه ایران قرار گرفتند؛ و سحرگاه امروز نهم آذر ۱۳۵۰ نیروهای مسلح شاهنشاهی در جزایر مذکور پیاده شدند و در محلهای لازم استقرار یافتند و پرچم ایران را بر فراز مرتفع‌ترین قله جزیره ابوموسی به اهتزاز درآوردند. دولت ایران... به هیچ‌وجه من‌الوجه، از حق سلطه و حاکمیت مسلم خود بر سراسر جزیره ابوموسی صرف‌نظر نکرده و نخواهد کرد و بنابراین حضور مأموران محلی در قسمتی از جزیره ابوموسی نباید به هیچ عنوان منافی یا متناقض با این سیاست اعلام شده تعبیر و تلقی گردید.» (بنگرید به: اصغر جعفری‌ولدانی، همان، صص ۳۳۷-۳۳۸).



حضور استاندار بنادر جنوب در جزیره ابوموسی

فعالیتها مشارکت داشته است. مطبوعات نیز با عناوین مختلف گزارش بازپس گرفتن جزایر سه گانه را منعکس کردند. در این گیرودار، خبرگزاریهای کشورهای عربی و رسانه‌های گروهی آنها و همچنین سایر کشورهای همسایه نیز به درج مطالب موافق و مخالف در این زمینه پرداختند. از جمله روزنامه پاکستان تایمز چاپ لاهور نوشت:

در مورد حق حاکمیت ایران به جزایر سه گانه تنگه هرمز جای بحث و گفت و گو نیست و حق ایران بود که این کار را انجام دهد و این موضوع جزایر خلیج فارس، که می‌توان با خونسردی و به آسانی حل کرد، نباید موجب تیرگی مناسبات دوطرف بشود.

این روزنامه در ادامه آورده بود:

ممکن است اقدام ایران غیرمنتظره و غیرمترقبه به نظر برسد؛ ولی از هفته‌های پیش، مذاکرات و اظهارهایی به عمل آمده بود و ایران در مقابل خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس ناچار بود چنین اقدامی به عمل آورد.

در قرن گذشته، هنگامی که استعمار بر متصرفات خود می‌افزود، جزایر سه گانه از ایران گرفته شد و اکنون که انگلستان از خلیج فارس خارج می‌شود می‌بایستی این جزایر به نحو عادی به ایران بازگردد و در صورتی که این جزایر برای ایران اهمیت حیاتی نداشت دولت ایران از این حق حاکمیت خود صرف‌نظر می‌کرد چرا که در مورد بحرین و توسعه سازمان ملل متحد چنین کرد.

این سه جزیره در موقعیت سوق‌الجیشی و استراتژیک خاصی در تنگه هرمز قرار گرفته است؛ و با توجه به اقداماتی که امپریالیسم در پی منافع خود در این منطقه با شدت تمام دنبال می‌کند دولت ایران نمی‌توانست اجازه دهد که جزایر مذکور به دست کسانی که قابل اعتماد نیستند، بیفتد؛ چرا که در این صورت تجارت و اقتصاد نفت خلیج فارس به خطر می‌افتاد. بنابراین، اقدام ایران نباید به هیچ وجه به عنوان یک اقدام توسعه طلبانه تلقی گردد و اظهارات مقامات عراقی به سایر کشورهای عربی در مورد خطراتی که از جانب ایران متوجه فرهنگ اعراب شده است، اصولاً نامفهوم است قابل درک نیست.

دولت سودان از استقرار نیروهای نظامی ایران در جزایر سه گانه انتقاد کرده و آن را نقض منشور سازمان ملل متحد دانسته بود.

روزنامه الاهرام چاپ مصر نیز عنوان کرده بود که نباید به موضوع خلیج فارس توجه کرد؛ چون این جزیره چند تخته سنگ بیش نیست و اهمیت استراتژیکی ندارد. این روزنامه در ادامه نوشته بود: این جزایر کم‌اهمیت‌تر از آن است که عراق

رابطه خود را با ایران قطع کند.

وزیر امور خارجه وقت یمن نیز در اظهارنظر خود، تصرف جزایر سه گانه را نکوهش کرده بود. رادیو لندن نیز برای نخستین بار درباره رفع اختلافات مربوط به جزایر سه گانه تنگه هرمز، آن هم به طور مبهم، از توافقی که درباره این جزایر حاصل شده بود سخن گفت. رئیس جمهور عراق نیز، در پیامی خطاب به شیخ رأس الخیمه، اتحاد وی در قبال سرزمین خود را شرافتمندانه خواند.

واکنشها بیشتر از سوی رسانه های خارجی مطرح می شد؛ مثلاً خبرگزاری رویترز در این خصوص نوشته بود: بین عراق و سوریه یادداشت هایی در زمینه جزایر سه گانه تنگه هرمز مبادله شده است.

به دنبال قطع روابط دولت بعث عراق با ایران، گفته می شود اشغال جزایر مذکور امنیت منطقه را به خطر خواهد انداخت. رادیو بغداد نیز گفت: شورای عراق از شورای امنیت سازمان ملل خواسته که تسلط مسلحانه ایران بر جزایر سه گانه تنگه هرمز را مورد بررسی قرار دهد. دولت سوریه نیز استقرار نیروهای ایران در جزایر را به شدت مورد انتقاد قرار داد و اعلام کرد که جزایر به امارات متحده تعلق دارد و خواستار تخلیه فوری نیروهای ایرانی از جزایر سه گانه شد. لیبی نیز تهدید کرده بود که در جزایر مذکور چتر باز پیاده خواهد کرد. مصر نیز در اظهارنظری به ایران پیشنهاد کرد که نیروهای خود را از جزایر سه گانه خارج کند.

تحریکاتی که لیبی، سودان، مصر، سوریه و یمن جنوبی بر ضد ایران کردند جنبه تبلیغاتی داشت. مقارن این ایام یک روز معاون سفیر انگلیس به ملاقات من آمد و گفت: آیا شما آمادگی دارید تا به این تحریکات و تبلیغات که علیه شما می شود پاسخ بدهید و من در پاسخ او گفتم:

گر بر سر خاشاک یکی پشه بجنبد جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست

و در ادامه گفتم: لیبی برای ما مانند پشه ای است که بر سر خاشاک بنشیند. با گفتن این جمله قهقهه ای کرد و از من خواست تا دوباره این شعر را تکرار کنم.

□ با استقرار نیروهای ایران در جزایر تنب و ابوموسی، چند کشور عربی با ارسال نامه ای به رئیس شورای امنیت برای رسیدگی به وضع خلیج فارس و اقدامات ایران تشکیل جلسه شورا را تقاضا کردند. این موضوع از جانب چه کشورهایی صورت گرفت و موضوع چه بود؟

● کشورهای در مخالفت با ایران ززمه‌هایی کردند.^۹ موضوعی را در سازمان ملل متحد مطرح ساختند و در آنجا حضور یافتند، به ایران فحش و نسبت‌های ناروا دادند و خیلی انتقاد کردند. در آن زمان برادر هویدا نماینده ایران در سازمان ملل بود.^{۱۰} پس از مطرح شدن این انتقادات، رئیس شورای امنیت نظر نماینده ایران را پرسید که او هم در پاسخ گفت: من برای این کار اینجا حضور پیدا نکردم و از دادن پاسخ معذورم. بعد، نماینده کشور موریتانی^{۱۱} پیشنهاد را پذیرفت و موضوع جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی در شورای امنیت خاتمه پیدا کرد.

□ ظاهراً موضعگیری دولت عراق در قضیه جزایر سه‌گانه به مراتب شدیدتر از دیگر کشورهای عربی بود به نحوی که آنها در جلسه اتحادیه عرب پیشنهاد قطع روابط سیاسی کلیه کشورهای عرب با ایران را دادند، علت این موضعگیری دولت عراق چه بود؟

● بله، دولت عراق در مورد استقرار نیروهای ایران در جزایر سه‌گانه شدیدترین واکنش را از خود نشان داد. دولت عراق به دلیل اختلافاتش با ایران در مورد گردها و اروندرود، این فرصت را غنیمت شمرد تا یک صف‌آرایی جدید از کشورهای عربی در مخالفت با ایران ایجاد نماید. روابط ایران و عراق با به قدرت رسیدن حزب بعث در ۱۹۶۸ به تیرگی گرایید و پس از بحران اروندرود در آوریل ۱۹۶۹ به اوج خود رسید. در قضیه جزایر، وزارت خارجه عراق در همان روز ورود ما به جزایر، کاردار سفارت ایران در بغداد را احضار کرد و ضمن اعتراض شفاهی نسبت به استقرار نیروهای ایران در جزایر مذکور، یادداشتی به او تسلیم کرد.

و بعد در دسامبر ۱۰/۱۹۷۱ آذر ۱۳۵۰ روابط سیاسی خود را با ایران به طور رسمی قطع کرد. می‌توان گفت دلیل اصلی مخالفت عراق با استقرار نیروهای ایران در جزایر بیشتر ناشی از جاه‌طلبیها و مقاصد توسعه‌طلبانه این کشور در خلیج فارس بود. می‌دانید که عراق داعیه رهبری کشورهای خلیج فارس را داشته است، ادعایی که هرگز از سوی کشورهای این منطقه پذیرفته نشده است.

البته عراقیها در جلسه شورای امنیت نیز انتقادات و پیشنهادهای زیادی مطرح کردند ولی هیچ‌یک از این پیشنهادهای مورد قبول واقع نشد.

۹. شامل عراق، لیبی، الجزایر و جمهوری دموکراتیک خلق یمن.

۱۰. نماینده وقت ایران در سازمان ملل امیرخسرو افشار بود که آقای تبریزی به اشتباه از او به عنوان برادر هویدا (فریدون) یاد می‌کند. (بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، همان، ص ۴۰۱)

۱۱. نماینده کشور سودان عبدالرحمن ابی فرح بود که آقای تبریزی نام کشور را موریتانی ذکر کرده است.



اهتزاز پرچم ایران بر فراز بلندترین بلندی جزیره ابوموسی

□ برخی از محافل عرب در نتیجه شیطنت یا استنباط نادرست و نداشتن آگاهی لازم از واقعیات مربوط به جزایر تنب و ابوموسی و سابقه تاریخی این امر، در رسانه‌های گروهی خود حملاتی به ایران کردند....

● بله، این کشورها تبلیغ می‌کردند که ایران با نیروهای نظامی خود خاک یک کشور عربی را مورد حمله قرار داده است و کار را به جایی رساندند که بعضی از کشورهای عربی اقدام به قطع مناسبات خود با ایران کرده‌اند. ایران با در دست داشتن اسناد و مدارک تاریخی هیچ‌گاه به خاک اعراب تخطی و تجاوز نمی‌کند و همه این تبلیغات پوچ و بی‌اساس بوده و هست. شیخ صقر (بن محمد القاسمی) حاکم رأس الخیمه، که بر جزایر تنب و ابوموسی ادعای مالکیت داشت، وقتی در شورای امنیت اسناد و مدارک ایران ارائه شد دیگر سخنی نگفت و ادعایی نکرد. خلاصه اینکه حملات سیاسی و تبلیغاتی به ایران در مورد این جزایر هیچ مبنای حقوقی و قانونی نداشته و ندارد.

□ ظاهراً عربستان سعودی نسبت به قضیه جزایر سه‌گانه، موضع ملایم‌تری داشت؟
● آنها، بعد از استقرار نیروهای ایران در جزایر، میانه‌روی اتخاذ کردند؛ به نحوی که این

میان‌روی آنها سبب انتقاد کشورهای تندرو عرب نسبت به رویه آنها شد و دولت عراق، عربستان را به همکاری با ایران در قضیه جزایر متهم کرد.^{۱۲}

□ در مورد حقانیت تملک ایران بر جزایر سه‌گانه چه دلایل و اسنادی وجود دارد؟

● در این زمینه اسناد و مدارک تاریخی زیادی وجود دارد از جمله می‌توان به گزارشها و انتشارات رسمی دولت بریتانیا اشاره کرد؛ مانند گزارش هیأت نمایندگی سر جان ملکم به دربار فتحعلی‌شاه که در قسمت مربوط به قلمرو ایران در خلیج فارس از جزایر تنب و ابوموسی به عنوان جزیره‌های تحت حاکمیت دولت ایران نام برده شده است. دومین مدرک اینکه از سالیان دور تاکنون در تمام نقشه‌های جغرافیایی که به چاپ رسیده است جزایر تنب و ابوموسی با رنگ نقشه ایران مشخص شده و حتی در بعضی از نقشه‌ها که از طرف کشورهای مختلف به چاپ رسیده علاوه بر رنگ، نام ایران نیز در کنار این جزایر آمده است.

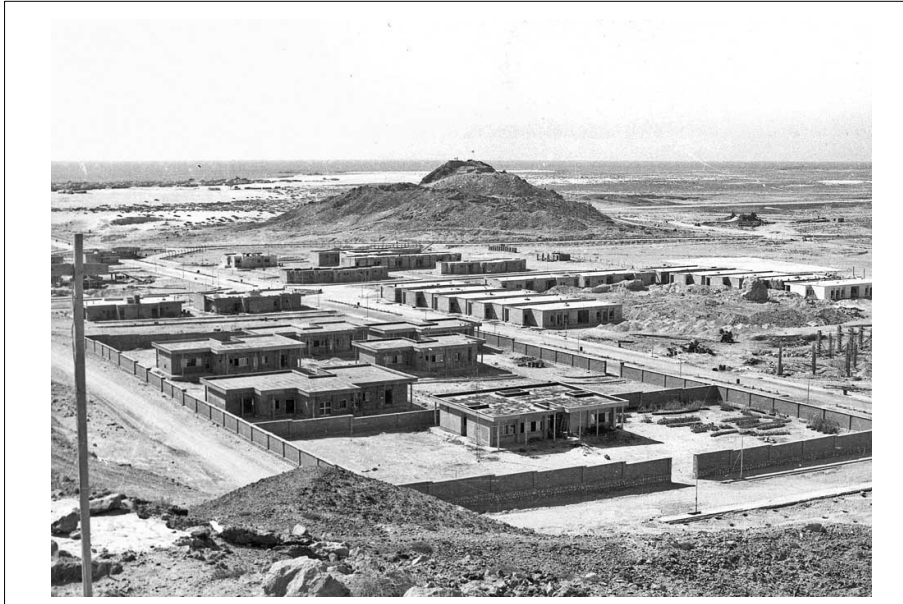
همچنین از اسناد موجود در وزارت امور خارجه انگلستان چنین برمی‌آید: از زمانی که ایران در مقام حفظ حقوق خود برآمده، در یک پروسه زمانی طولانی، نسبت به تصرف این جزایر از سوی انگلستان اعتراض داشته و همواره تقاضای استرداد و تحویل آن جزایر به ایران را داشته و هیچ جوابی هم مبنی بر رد ادعای ایران نسبت به حاکمیت بر جزایر از سوی وزارت خارجه انگلستان دیده نمی‌شود؛ بلکه مذاکرات فی‌مابین همچنان ادامه داشته است.

علاوه بر اینها، از زمانی که صحبت از تخلیه نیروهای انگلیسی از خلیج فارس به میان آمده، مذاکرات طولانی برای استرداد جزایر سه‌گانه میان نماینده سیاسی وزارت امور خارجه انگلستان و ایران ادامه داشت که بالاخره موضوع با توافق میان دو طرف مبنی بر بازگرداندن جزایر به ایران پایان یافت.

موضوع و دلیل منطقی دیگر آن است که فاصله جزایر تنب بزرگ و کوچک از ساحل ایران از ۳۰ کیلومتر تجاوز نمی‌کند؛ در حالی که فاصله جزایر مذکور تا رأس‌الخیمه ۷۰ کیلومتر، یعنی بیش از دو برابر است. به این ترتیب، چگونه ممکن است دو جزیره که به ایران نزدیک‌تر است به لحاظ جغرافیایی و قواعد بین‌المللی به ایران متعلق نباشد و در تصرف شیخ رأس‌الخیمه باشد، جز اینکه بپذیریم انگلیس در موقعیتی خاص، با سوءاستفاده حاتم‌بخشی کرده باشد.^{۱۳}

۱۲. بنگرید به: اصغر جعفری‌ولدانی، همان، ص ۳۵۵.

۱۳. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: اصغر جعفری‌ولدانی. ایران و حقوق بین‌الملل. تهران، انتشارات علمی و



قسمتی از تأسیسات و اماکن مسکونی ابوموسی

بنابراین با توجه به اسناد موجود که در کتابهای مختلف به صورت کامل تر به آن اشاره شده، ایران هرگز نمی‌تواند در مورد جزایر سه‌گانه تنگه هرمز که جنبه استراتژیک دارد بی‌توجه باشد و آنها را به دست سرنوشت بسپارد.

□ حاکمیت ایران بر جزایر جنوب از نظر سیاسی و بین‌المللی چه اهمیتی دارد؟

● این موضوع از چند جهت حائز اهمیت بسیار است. در درجه اول، سیاست صلح‌جویانه ایران اقتضا می‌کند نسبت به پیگیری موضوع به‌طور مسالمت‌آمیز، تا سرحد امکان، از حق مسلم خود در مورد این جزایر دفاع کند.

موضوع مهم دیگر این است که استقرار نیروهای نظامی ایران در جزایر مذکور از هر حیث در حفظ امنیت منطقه و جلوگیری از برخوردهای مسلحانه مؤثر است. در دنیایی که کشورهای بزرگ بر سر اختلافات جزئی و کوچک که با گفت‌وگو می‌توان مسائل مهم را حل و فصل نمود، به جان هم می‌افتند و متحمل تلفات و خسارات بسیاری می‌شوند، ایران به دور از هرگونه تنش و درگیری نظامی توانسته حاکمیت

خود بر جزایر سه‌گانه در تنگه هرمز را همچنان اعمال کند بدون اینکه در منطقه برخوردی به وجود بیاید و یا در امنیت خلیج فارس خللی ایجاد بشود.

□ به نظر شما آیا پشت پرده توافقی میان ایران و انگلیس صورت نگرفته بود؟

● از مدتها قبل، در مورد جزایر تنب و ابوموسی گفت‌وگوهایی با شرکت اسدالله علم به نمایندگی از دولت ایران به طور پنهانی صورت گرفته بود. ایران همیشه درباره حق حاکمیت خود بر این جزایر سخن می‌گفت که این جزایر به ایران تعلق دارد و جزئی از خاک ایران است.

با حل موضوع بحرین در خرداد ۱۳۴۹، دولت ایران از ابتدای ۱۳۵۰ موضوع بازگرداندن جزایر تنب و ابوموسی را مطرح کرد و همزمان مطرح شد که ایران ادعای خود بر بحرین را پس گرفته تا منافع اساسی خود را در تنگه هرمز و در مورد جزایر تنب و ابوموسی دنبال کند. گفتنی است که دولت بریتانیا، با اطلاع برخی از دولتهای عربی، به تهران اطمینان داده بود که جزایر تنب و ابوموسی در قبال حل موضوع بحرین به ایران بازگردانده خواهد شد. اسدالله علم وزیر دربار وقت ایران در یادداشت‌های خود این مذاکرات را منعکس نموده که اگر اجازه بفرمایید قسمتی از آن را خدمت شما نقل کنم. علم در یادداشت ۲۸ بهمن ۱۳۴۷ خود می‌نویسد:

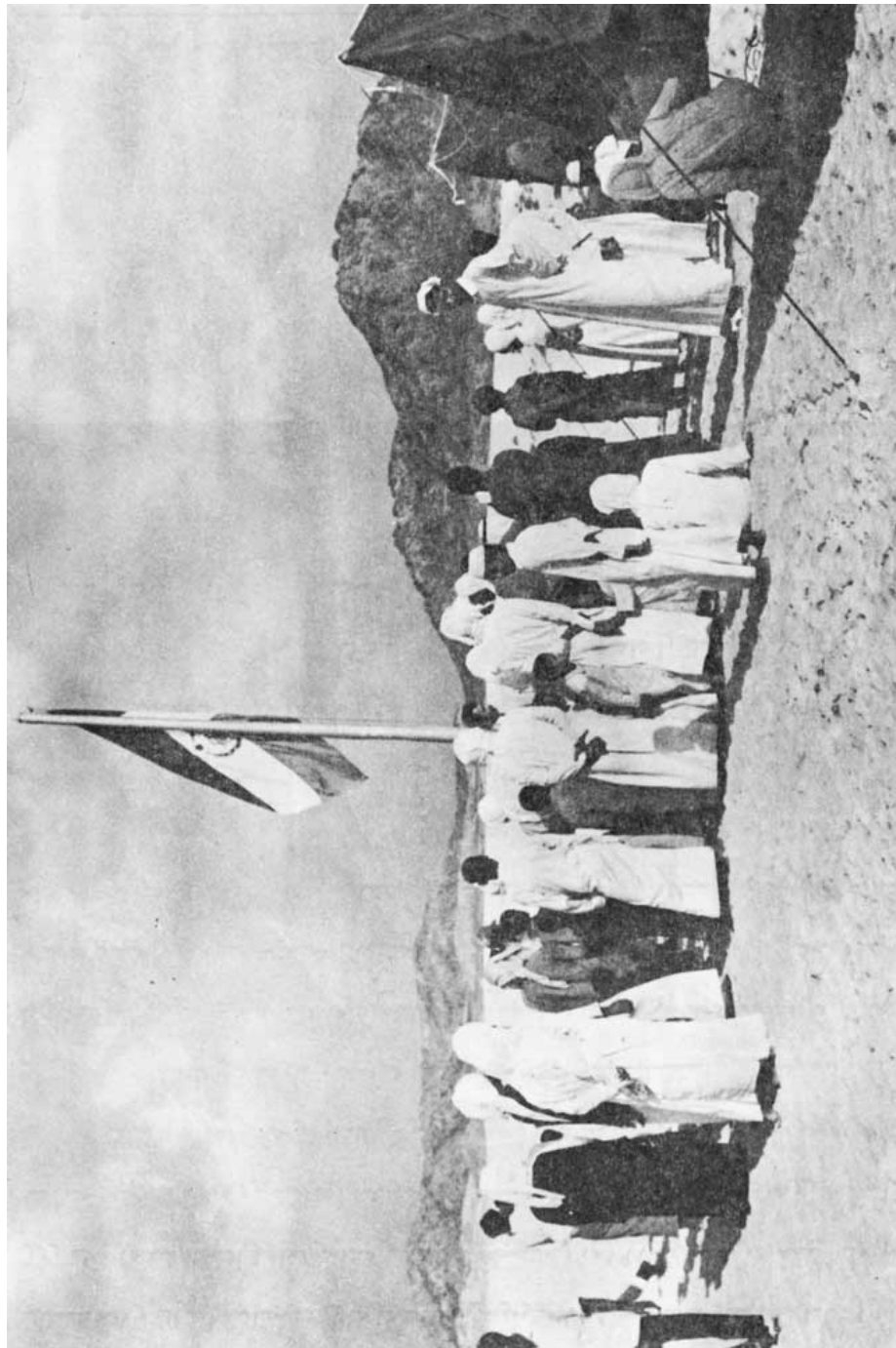
سفیر انگلیس امروز خیلی محرمانه به من گفت که کار جزایر تنب و ابوموسی تمام است و قطعاً متعلق به ایران خواهد شد؛ زیرا به شیخ رأس‌الخیمه گفته‌ایم اگر با ایران کنار نیایید، چون جزایر تنب بالای خط منصف و در آبهای ایران است، ایران آن را قانوناً تصرف خواهد کرد و اگر از طریق قانونی این کار نشد بازور خواهد گرفت. و شیخ رأس‌الخیمه حاضر به معامله است. پرسیدم جزیره ابوموسی چه طور؟ گفت اگر به زور متوسل شوید روابط شما با اعراب به هم می‌خورد. و من گفتم به جهنم.^{۱۴}

همچنین باید متذکر شوم که، ۱۴ ساعت پیش از پیاده شدن نیروهای ایران در این جزایر، شیخ‌نشین شارجه توافقی را با ایران امضا کرد که به موجب آن نیروهای ایران در نقاط استراتژیک جزیره ابوموسی مستقر شوند.

□ چرا ایران نسبت به استقرار نیروهای نظامی و حاکمیت خود بر این جزایر پافشاری می‌کرد؟

● اولاً این جزایر از نظر سوق‌الجیشی برای ایران حائز اهمیت فراوان است و با خروج

۱۴. بنگرید به: یادداشت‌های علم، ویرایش علینقی عالیخانی. تهران، نشر معین و مازیار، ۱۳۷۷. ج ۱، ص ۴۵.



برافراشتن پرچم ایران در جزیره ابو موسی، ۹ آذر ۱۳۵۰ ه. ش (برگرفته از کتاب جزیره ابو موسی و...)

نیروهای انگلستان از خلیج فارس، ایران نمی‌توانست نسبت به امنیت تنگه هرمز بی‌توجه باشد. از این تنگه روزانه صدها کشتی و تانکر نفتکش عبور می‌کند. چنانچه در هر ۱۲ دقیقه یک کشتی نفتکش عبور می‌کند. در مجموع، ۶۰ درصد نفت مورد نیاز غرب و ۹۰ درصد نفت ژاپن از این منطقه تأمین می‌شود و در عین حال نبود امنیت خطرات غیرقابل جبران، برای ایران و سایر کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس می‌توانست داشته باشد. جلوگیری از تهدید امنیت از راه دریا فقط با کنترل تنگه هرمز عملی است و برای حفظ این تنگه ایران نیاز به موقعیت استراتژیک این جزایر دارد. پافشاری ایران در استقرار قوای نظامی خود در جزایر مذکور نیز بر مبنای این نیاز و اهمیت حیاتی جزایر بود. ایران این جزایر را متعلق به خود می‌دانست چرا که از ابتدای تاریخ متعلق به ایران بود. تا اینکه در اواخر قرن نوزدهم به زور به تصرف انگلیس درآمد. اما ایران این جزایر را حقاً و قانوناً متعلق به خود می‌دانست و تنها به بهانه سکونت عده‌ای انگشت‌شمار غیرایرانی در این جزیره نمی‌توانست از این حق طبیعی و قانونی خود صرف‌نظر کند.

□ گفته می‌شود پیشنهادهایی هم مبنی بر اجاره جزایر به ایران از طرف دولت بریتانیا مطرح شده بود....

● پیشنهادهایی از قبیل اجاره ۹۹ ساله مطرح شد؛ ولی چون با اعمال حاکمیت ایران منافات داشت، مورد قبول ایران قرار نگرفت. البته هنوز هم این شایعه وجود دارد. در واقع، چون شارجه در آبهای ساحلی ابوموسی اقدامات و اکتشافات نفتی انجام داده بود، توافق شد که ایران برای یک مدت ۵ ساله، سالانه یک میلیون و پانصد هزار لیره استرلینگ در ازاء مطالعات اکتشافی در آبهای ابوموسی به آن شیخ‌نشین پرداخت کند مگر اینکه درآمد نفتی شارجه در این مدت از سالی سه میلیون لیره تجاوز کند؛ و هر زمان که نفت استخراج شد، ۵۰-۵۰ بین ایران و شارجه تقسیم شود.

□ اما این موضوع هیچ‌وقت علنی نشد.

● بله، در جایی منتشر نشد؛ ولی سابقه آن در پرونده‌های وزارت امور خارجه ایران و انگلیس حتماً وجود دارد.

□ این‌طور ادعا شده که نیمی از جزیره ابوموسی برای انگلیسیهاست و نیمی برای ایران و در واقع نصف به نصف است؟

● خیر، چنین چیزی نبود و این اخبار دروغ است. حضور ما در این جزیره، حاکمیت ما

را بر سراسر جزیره مسلم کرده بود و حضور عده‌ای از ساکنان سابق شیخ شارجه دلیلی بر مالکیت آنها نیست. این را بارها اعلام کرده بودیم. بنده هم در زمان تحویل جزایر اعلام کرده بودم که اگر کوچک‌ترین ادعایی نسبت به مالکیت جزایر از طرف ولیعهد شارجه بشود، جزیره را ترک خواهم کرد.

□ زمانی که شما استاندار بنادر جنوب بودید، هیچ ادعایی، حتی شفاهی، از آنها در این خصوص نشنیدید؟

● خیر، نشنیدم؛ اگر می‌شنیدم جزیره را ترک می‌کردم. اسناد تاریخی‌ای که نزد ما و انگلستان وجود دارد نشان‌دهنده این است که آنها صددرصد اعتراف کردند که جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی از آن ایران است.

□ عده‌ای معتقدند که ایران با پرداخت مبالغی رشوه به حاکمان جزایر، موفق به تصرف این جزایر شد؛ آیا این موضوع صحت دارد؟

● خیر، اصلاً این‌طور نیست. شیخ‌نشینها کشورهایایی نیستند که ایران بخواهد به آنها رشوه بدهد. این کشورهای عربی چیزی نیستند که ایران بخواهد به آنها رشوه بدهد. تحریک‌هایی هم که طی سالهای بعد از انقلاب صورت گرفته همه از ناحیه سیاستهای استکباری است که می‌خواهند با این کارها ایران را به زانو درآورند.

□ اتفاقاتی که چند روز بعد از تصرف جزایر در بعضی از شیخ‌نشینها و کشورهای عرب پیش آمد چه تبعاتی داشت؟

● در آن موقع در بعضی از شیخ‌نشینها به تحریک کشورهای مصر، لیبی، یمن جنوبی بر ضد ایران تبلیغات تندی صورت گرفت. در عجمان و ابوظبی، در مخالفت با استقرار نیروهای ایران در جزایر تظاهراتی به وقوع پیوست. تظاهرات عجمان با آرامش بود؛ اما در ابوظبی به شعبه بانک صادرات ایران و چند مغازه متعلق به ایرانیان حمله کردند و شعارهای ضدایرانی دادند. حکمرانان امارات دبی و شارجه هرگونه تجمع در خیابانها را غیرقانونی اعلام کردند و گفتند مأموران پلیس از آن جلوگیری خواهند کرد. در رأس‌الخیمه، در تظاهراتی که بر ضد ایران انجام گرفت، شعبه بانک صادرات ایران و یک نانوائی متعلق به ایرانیان به آتش کشیده شد. خسارتهای زیادی به اموال و جان ایرانیان وارد آمد.^{۱۵}

۱۵. بنگرید به: اصغر جعفری‌ولدانی، نگاهی تاریخی...، همان، صص ۳۴۸-۳۵۰.

□ آیا کشته شدن شیخ شارجه هم در دنباله این وقایع بود؟

● خیر. شیخ شارجه به تحریک مقامات رأس الخیمه کشته شد. این درست زمانی بود که ولیعهد شارجه، شیخ صقر، برادر شیخ شارجه برای مراسم تحویل جزایر به ایران به ابوموسی آمده بود.

اتفاقاً یادم می‌آید که در موقع خداحافظی ولیعهد شارجه، رسماً از بنده و دریادار رمزی عطایی معاون فرمانده نیروی دریایی دعوت کرد که هفته بعد به شارجه برویم و از شیخ شارجه هم دیدن کنیم. اما هنوز یک هفته نگذشته بود که مطلع شدیم او به تحریک مقامات رأس الخیمه به قتل رسیده و کاخ او را تصرف کرده‌اند. بعد ولیعهد شارجه، به عنوان شیخ شارجه، جانشین او شد. بنابراین مسافرت بنده نیز، خود به خود، منتفی شد.

□ قبل از استقرار نیروهای ایران در جزایر سه‌گانه چه اقداماتی از طرف دستگاه دیپلماسی ایران پیرامون از دست دادن بحرین و بازپس‌گیری جزایر صورت گرفت؟

● اسدالله علم، پسر شوکت‌الملک که خود عامل و نوکر انگلیسیها بود و به اصطلاح زانوبند انگلستان را داشت، دو سال با انگلیسیها بر سر این موضوع مذاکره و چانه‌زنی می‌کرد. البته این چانه‌زنیها بین ایران و انگلیس معنی دیگری داشت. انگلیس با تظاهر به چانه‌زنی، از ترس اینکه مبادا اعراب رنجیده‌خاطر شوند، وانمود می‌کرد که ما چانه‌زنیهای خودمان را انجام دادیم و از شما حمایت کردیم و این ایران است که قلدری می‌کند و از حق خودش صرف‌نظر نمی‌کند. به هر حال، علم، پس از هر بار مذاکره، موضوعات را به اطلاع شاه می‌رساند و نظرات شاه را هم به نماینده انگلستان^{۱۶} ابلاغ می‌کرد.

البته در لندن نیز مذاکرات بین امیرخسرو افشار سفیر ایران و سر ویلیام لوس ادامه داشت. حتی ویلیام لوس، به همین منظور، به ایران و شارجه و رأس الخیمه مسافرت‌هایی انجام داد تا نظرات ایران را به شیوخ منطقه اطلاع دهد.

□ به عقیده شما شکایت حکمران رأس الخیمه از ایران به انگلیس هم از قبل پیش‌بینی شده بود؟

● بله، موضوعات از قبل به توافق دو طرف رسیده بود. اسدالله علم در خاطرات خود، که بخشی از آن به موضوع جزایر تنب و ابوموسی اختصاص دارد، می‌نویسد که

۱۶. منظور سر دنیس رایت سفیر بریتانیا در تهران می‌باشد. وی نویسنده کتاب انگلیسیها در میان ایرانیان است.



بازدید جواد تبریزی از جزیره ابو موسی

دو سال مذاکره با انگلیس و چانه‌زنی بر سر جزایر سه‌گانه، همه‌اش پیش‌بینی شده بود؛ برای اینکه به شیخ‌نشینها بگویند ما چانه‌خودمان را زدیم ولی ایران از حق خودش صرف‌نظر نکرد.

□ اگر توافق شده بود، چرا سربازان در جزیره تنب بزرگ مقاومت کردند و سه نفر از نیروهای ما کشته شدند؟

● با رأس‌الخیمه به توافق رسیده بودند و قرار بود مقاومت نکنند. در مورد مقاومت سربازها گفتند که آنها از این توافقات بی‌اطلاع بودند.

□ در اخبار آمده بود که بجز هفت نیروی هندی، کلیه ساکنان این جزایر به دلخواه خود، جزیره تنب کوچک و بزرگ را تخلیه کردند؟

● این موضوع صحت ندارد. اصلاً در جزیره تنب کوچک هیچ‌کس نبود. در جزیره تنب بزرگ هم دو سه نفر بودند که خبر نداشتند. بنابراین، این دو جزیره تنب بزرگ و کوچک خالی از سکنه بود. اما در جزیره ابوموسی پنجاه شصت نفر بودند که طبق توافقی که کرده بودیم جزیره را تخلیه کردند.

□ نقش آمریکا درباره استقرار نیروهای ایرانی در جزایر تنب و ابوموسی چه بود؟

● تصور می‌کنم آمریکا درباره استقرار نیروهای ایران در جزایر تنب و ابوموسی واکنش مستقیمی از خود نشان نداد و همین امر موجب شد تا برخی از کشورهای عرب، آمریکا و انگلیس را متهم به تبانی با ایران کنند.

ولی هیچ بعید نیست توافقاتی میان ایران، آمریکا و انگلیس صورت گرفته باشد و آمریکاییها برای تقویت پایگاههای خود در خلیج‌فارس و تقویت ایران به عنوان ژاندارم منطقه، با توجه به ترتیبات امنیتی آمریکا تحت دکترین نیکسون، با اقدامات ایران موافق بودند.

□ لطفاً بفرمایید که جناب‌عالی، به عنوان استاندار بنادر جنوب، پس از استرداد این جزایر به ایران چه اقداماتی برای امور جاری و رفع مشکلات آن انجام دادید؟

● بنده در ۱۵ آذر ۱۳۵۰، کمیسیونی به منظور بررسی وضعیت جزایر سه‌گانه در استانداری تشکیل دادم. در این جلسه، رؤسا و مدیران ادارات آموزش و پرورش، راه و ساختمان، بهداشتی و سایر مسئولان حضور داشتند. در آن جا گفتم که باید برای رفع نیازهای مردم این جزایر از هم‌اکنون مطالعات همه‌جانبه صورت گیرد و آقایان هر کدام در محدوده کارهای خود تلاش کنند، مطالعات لازم را انجام دهند و گزارش آن

را برای من ارسال کنند. به آنها گفتم که هرگونه نظر اصلاحی و پیشنهادی که برای پیشرفت امور مربوط به رفاه و آسایش ساکنان این جزایر به نظرتان می‌رسد، در گزارش بیان کنید.

بعد به پیشنهاد استانداری، تصویب‌نامه‌ای از سوی هیئت وزیران به منظور ایجاد تسهیلات در مبادلات مرزی برای ساکنان جزایر صادر شد که به موجب آن مقرر گردید که آنها بتوانند گوشت، قند و شکر، گندم، کره، کمپوت، پنیر، چای، برنج، حبوبات و هر نوع اقلام دیگر خوراکی و همچنین کالاهایی از قبیل یخچال، پنکه، کولر، موتورسیکلت، لاستیک موتور و دوچرخه را با حذف حقوق گمرکی وارد کنند. همچنین مقرر شد کسانی که هویتشان اعلام نشده تا پایان سال ۱۳۵۰ می‌توانند دفترچه مبادلات مرزی از گمرک دریافت کنند.

□ از جمله اقدامات شما موضوع تشکیل اورژانس تهران است؛ چطور شد که مبادرت به تشکیل اورژانس نمودید؟

● تا قبل از سال ۱۳۵۴ اثری از سازمانی به نام اورژانس، یعنی فوریت‌های پزشکی، وجود نداشت. اگر کسی در اثر هر نوع حادثه‌ای دچار آسیب می‌شد، در هیچ نقطه از کشور، مرکز و یا سازمانی وجود نداشت که به آسیب‌دیدگان این نوع حوادث به فوریت رسیدگی کند و مصدومان را از مرگ قطعی نجات بدهد. جمعیت شیروخورشید سابق وظایف محدودی داشت و قادر نبود به درمان این قبیل آسیب‌دیدگان پردازد و مسئولیت نجات آنها را به عهده بگیرد. سازمان آتش‌نشانی در پایتخت و شهرهای بزرگ هم وظایف مشخصی داشت که نجات مصدومان از حوادث گوناگون بر عهده آنها نبود. سازمان دفاع غیرنظامی نیز در نظام گذشته عهده‌دار وظایفی غیر از نجات مصدومان بود. علاوه بر این، بیمارستانها و مراکز درمانی هم مسئول پذیرش بیماران عادی و محدودی بودند و برای فوریت‌های پزشکی امکانات محدود و مشخصی داشتند. بنابراین، چنانچه در گوشه و کنار شهرها حوادثی به هر شکل روی می‌داد، سازمانی وجود نداشت که مسئولیت رسیدگی به آسیب‌دیدگان این حوادث را بپذیرد و آنها را به مراکز درمانی و فوریت‌های پزشکی برساند و از اتلاف وقت جلوگیری کند. و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به درمان فوری و نجات آنها پردازد. با توجه به محدودیت امکانات مراکز درمانی و سایر مؤسسات، طرحی تهیه کردم که در برگیرنده مسئولیت‌های تمام سازمانهای مذکور باشد؛ به این ترتیب که در صورت بروز حادثه‌ای که منجر به مجروح شدن یا مسمومیت و یا هر نوع اتفاقی که خطر جانی داشت، اطرافیان مصدوم با یک شماره تلفن با مرکز فوریت‌های پزشکی تماس بگیرند،

وضعیت بیمار یا مصدوم را اطلاع بدهند و نشانی مصدوم یا بیمار و وضعیت جسمانی او را به اطلاع آن مرکز برسانند تا آمبولانسهایی که به تمام وسایل درمانی و فوریتهای پزشکی مجهز است به سراغ بیمار یا مصدوم بروند و او را در اسرع وقت به مراکز فوریتهای پزشکی منتقل کنند و به معالجه فوری او بپردازند تا بلکه او را از مرگ قطعی نجات دهند.

در سال ۱۳۵۴ کمیسیونی با حضور رؤسای جمعیت شیروخورشید و انجمن شهرستان تهران، سازمان دفاع غیرنظامی، آتش نشانی تهران و نماینده وزارت بهداشتی با حضور بنده تشکیل شد و طرح پیشنهادی من مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و همه حاضران، به اتفاق آراء، جامعیت طرح را پذیرفتند و مورد تأیید قرار دادند. مقرر شد که دولت در ابتدای امر در مورد تهیه یکصد دستگاه آمبولانس مجهز به کلیه وسایل درمانی و فوریتهای پزشکی اقدام نماید. آمبولانسها به آلمان سفارش داده شد و مبلغی پیش پرداخت از محل اعتبارات دولت به کارخانه سازنده پرداخت گردید و سال بعد آمبولانسها وارد گمرک بازرگان شد در حالی که قسمت عمده وسایل درمانی موجود در آمبولانسها به سرقت رفته بود.

به هر حال، سازمان اورژانس و فوریتهای پزشکی در تهران تأسیس شد و تعدادی پرستار و تکنیسین آموزش دیده را آماده کردند تا بیماران و مصدومان را در حین انتقال از محل حادثه تا مرکز اورژانس در آمبولانسها مراقبت و معاینه نمایند و در هر بیمارستان چند تختخواب برای مصدومان حوادث، آماده کردند؛ و چون غالب مصدومان در موقع انتقال به مراکز درمانی قادر به پرداخت حق العلاج نبودند، دولت برای این قبیل افراد اعتبار مخصوصی در نظر گرفت تا حق العلاج مراکز درمانی قابل وصول باشد.

در طرح اورژانس و فوریتهای پزشکی، یک طرح مکلفیت و الزام گنجانده شده بود به این صورت که هیچ بیمارستانی مجاز نبود بیماران و مصدومانی را که آمبولانسها به آنجا می‌برند پذیرش نکنند. این طرح در دوران بعد از انقلاب از طرف وزارت بهداشت و وزارت آموزش عالی هم پذیرفته شد و به صورت قانون درآمد. پیشنهادهای اصلاحی بنده و رفع نقایص موجود در اورژانسهای مختلف کشور مورد توجه قرار گرفت و نسبت به اصلاح وضع اورژانس و کمبود تکنیسین و رفع کمبودهای فنی و درمانی توجه خاص مبذول شد و اقدامات اساسی انجام گرفت و بیمارستانها مکلف به قبول بیماران فوریتهای پزشکی شدند. باید به این نکته اشاره کنم که اگر در طول زندگی ۷۰ ساله خود مرتکب بزرگ‌ترین گناهان شده باشم، ارائه طرح اورژانس از افتخارات دوران زندگی من می‌باشد و امیدوارم مرا مشمول عفو

الهی قرار بدهد؛ زیرا در این مدت، به خصوص در دوران جنگ تحمیلی، دهها هزار نفر مصدوم و مجروح حوادث ناشی از جنگ از خطر حتمی مرگ نجات یافتند و زندگی خودشان را از سر گرفتند. روزی نیست که شکر ایزد متعال را به جای نیاورم که خداوند چنین افتخار و اجری را نصیب من کرد تا بتوانم چنین طرح عام‌المنفعه‌ای را تهیه کنم و به معرض عمل درآورم.